

روزگار یک داوطلب

فرحزاد نوزاد

شارمین میمندیتژاد*

● کنار جوی آب، خیره بر گوشتی شده‌ای که بر آتش زغال، روغن‌ش را فرومی‌چکد، دنده به دندان می‌کشی. با من بیا به سال ۱۳۸۲. بالاخره تو هم از داوطلبان جمعیت امام علی(ع) هستی. در دره فرحزاد پایین می‌روی. هرچه باشد جوان هستی و باید به ترس از تاریکی شب فائق آیی. به تو گفته‌اند مادرانی در این دره هستند که فرزندانشان را رها می‌کنند. به تو گفته‌اند ممکن است کلامت منجی کودکي باشد که مادر، رهایش نکند. قدم به تاریکی می‌گذاری. صدای زوزه آزاردهنده سکان بوزه‌کش بر تعفن پسماندها. نباید بترسی. باید به سمت کورسوی نوری که از پشت پنجره‌های ششمالی آلودنک‌های زیاله‌ای بیرون می‌زند. بروی. هرقد هم که این فضا چونا کابوسی دهشتناک به نظر آید، باید این شب را در نجات آن نوزاد تمام کنی. کم‌کم به پایین می‌روی. در میانه زباله‌سوزی‌ها، انبوه مردان و زنانی را می‌بینی که به انتهای سوختن خود رسیده‌اند و در آن کود، نحیف و سیاه‌چرده، بالاوش چرکینی را بر سر کشیده و تکه مرکی را بر سر سوزن زده‌اند و می‌کشند. آن روزگار کرک در پاتوق‌ها، در امنیت جرم‌نبودن، بیداد می‌کرد. وقتی وارد دوزخ می‌شوی، همه‌چیز به شماره‌کندی می‌افتد. زنان و مردان سراپاسوخته، با دهان‌های به عفونت افتاده از کرک، به نشنگی می‌خندند. آتی متوجه می‌شوی لب و لثه و دندان‌ها و زبان‌شان به کرم نشسته است. تخریب کرک ابتدا روی بافت‌های نرم بدن آغاز می‌شود. مُردگی بافت و در نهایت، برگردنشستش. بابت در منقلب و زباله‌ها فرومی‌رود و سرت در مهی از دود، گیج می‌زند؛ اما بالین‌همه باید بروی. از خود می‌پرسی آیا می‌شود در اینجا به زندگی امید داشت که ناگاه بوی کبابی، در آن تعفن، ولع مشامت می‌گیرد. حتم گوشتی بر آتش افتاده. تو به آن فضای کابوس‌وار عادت کرده‌ای و ترسست ریخته و فضای کابوس‌وار نیز پذیرای تو شده. مردان و زنان سفربه‌های فروش موادشان را به تو تعارف می‌زنند. هیچ‌کس اینجا بی‌کار نیست. در خلا، کرک به عمل می‌آورد. فحشا و کودک‌فروشی و مواد. مادران نحیف معتاد در این دشت درد، هیچ علامتی از بارداری یک نوزاد ندارند. تمام علائم زانگی و بارداری در سایه کرک از بین می‌رود. هیچ‌کس منتظر نوزاد ناخوانده نیست. بالاخره خودت را به آلودنک آن مادر می‌رسانی. کلمات نپخته‌ات به امید معجزه بر آن تن سوخته، یاسین می‌شود. زن نیمه‌برهنه، درحالی‌که سیکاری دود می‌کند، پلک نرمی می‌زند، پارنبه لحاف روغن‌گرفته‌ای را کنار می‌کشد و نوزاد چندروزه‌ای را به تو نشان می‌دهد و می‌گوید: این بچه‌شو نیست! مشتری هم نداره، می‌خوای بیرش! با مه‌ری به بالای سر کودک می‌روی. خدای من! حال با همه وجود، ترس شده‌ای! ترسی که تمام شفقت و مهر را در تو خاموش می‌کند. از دنده چپ نوزاد نیم‌برهنه‌ا انگشتان پایش، انبوهی از کرم‌ها در حال ولوله و تاول‌اند. صدای زن وزوزه ذهن به انتها رسیده‌ات می‌شود که می‌گویند: این‌جور بچه‌ها رو تو این دره می‌سوزون. لرزه زندگی آتی به انگشت اشاره نوزاد می‌آید و هم‌زمان اشک‌ه‌ایت نیز بی‌امان فرومی‌ریزد. از خواب خاکستر بخیز قبل از آنکه نیم‌مصومیت مانده‌ات را بسوزانند. به نور سوختن کدام نوزاد از بی‌راه به راه این سو شده‌ای؟ بسوی کباب کدام کودک به ولع بینی خرفت افتاده بود؟! باید بترسی! سراپا بترسی.

***مؤسس جمعیت امام علی(ع)**

شرق،شهرزاد همتی: همه جلوی تلویزیون ایستاده‌اند. انکار رسم است منظره‌های سیاسی ایستاده تماشا شود. هرازگاهی دست‌ها لای موها فرومی‌رود، عینک‌ها از چشم برداشته می‌شود، آه‌های بلند از نهاد جماعت پیننده بلند می‌شود، شیشه آب روی میز در لحظه خالی می‌شود، مصرف سیگار به بالاترین حد خود می‌رسد، رنگ‌ها پریده و صورت‌ها عصبی است. این واکنش‌های مردمی است که سیاست برایشان اهمیت دارد و سه ساعت منظره هفتگی کاندیداها را با هم تماشا می‌کنند. این فقت بخشی از واکنش‌های ظاهری به دیدن منظره‌ها و فعالیت‌های سیاسی است که آدم‌ها در آن خردشدن و تکه‌تکه‌شدن قهرمان‌های سیاسی خود را می‌بینند. نگاهی به ابرقهرمان‌هایی که قرار است وضع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها را بهتر کنند؛ اما در تنگناهای اخلاقی برای نخستین بر صندلی پرطمطراق ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری، برای تها‌کردن آمال مردمی که قرار است طرفدار آنها باشند، از هیچ حرکتی مضایقه نمی‌کنند.

ماجرا البته فقط به مناظرات بازمی‌گردد. قصه درگیری آدم‌ها در تبلیغات میدانی کاندیداها و فعالیت ستادهایی که تراکت پخش می‌کنند و درگیری‌شان با دیگران کم نیست. در دوهفته‌ای که تپ‌وتاب تبلیغات انتخاباتی رونق می‌گیرد، فعالان انتخاباتی برای برنده‌شدن همه راه‌ها را انتخاب می‌کنند، بی‌اخلاقی‌های مرسوم، کری‌خواندن‌ها و شعارهایی که روان مردم را نشانه می‌رود. حالا دیگر مردم به یمن حضور فعال تکنولوژی نیمه‌شب‌ها و در فضای مجازی نیز از اخبار ضدونقیض رهایی ندارند. آنها مدت‌ها قبل از انتخابات می‌بینند که چگونه امانت‌دارهای یک کشور در لحظه‌ای با

گزارش و پیامی نابود می‌شوند، این تنها نابودی یک شخصیت نیست، در این فرایند که گویی از آن گریزی نیست، هربار اعتماد بخشی از مردم جامعه است که لگدکوب می‌شود. آنها می‌بینند ممکن است هربار در این فرایند تعداد بیشتری به آخر خط برسند؛ اما مسئله مهم و گدی که در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد این است؛ در شرایطی که رانت و بردن و اختلاس به این سادگی اتفاق می‌افتد، به چه کسی باید اعتماد کرد و اصلا چرا من هم بخشی از این بازی سیاسی نباشم؟

هفته گذشته بود که وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست خبری خود از کاندیداهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری درخواست کرد سلامت روان مردم را در نظر بگیرند. سیدحسن هاشمی در حاشیه مراسم روز جهانی سلامت، درباره تأثیر فضای انتخاباتی بر سلامت روان مردم گفته بود: «ما در ایس موضوع می‌توانیم مثل هر مقوله دیگر باعث آسیب‌زدن به سلامت روان مردم یا نشاط آنها شویم، کسانی که تخریب و تحقیر می‌کنند، گزارش خلاف واقع و وعده بیجا می‌دهند، امید بیجا ایجاد می‌کنند یا سطح توقعات مردم را بالا می‌برند، بر اعصاب و روان آنها اثر می‌گذارند. واقعیات و مشکلات را صادقانه بگوییم، توقع‌هایی که ایجاد می‌کنیم باید مطابق داشته‌ها و شرایطمان باشد. سال‌هاست به غربی‌ها انتقاد می‌کنیم؛ اما الگوی ما در انتخابات مناظرات، رفتارهای سیاسی و نقد رقیبان مانند آنهاست. باید متوجه شویم مسیری که در پیش گرفته‌ایم، اسلامی و به صلاح کشور نیست و با روح و روان مردم سروکار دارد و به آن آسیب می‌رساند. ما در رسانه‌ها به‌طور دائم افکار متضاد می‌بینیم که این مردم را گیج می‌کند. باید

تبلیغات و مناظرات با محوریت انگ‌زنی به نامزدهاچه تأثیرروانی واجتماعی بر مردم دارد

حلقه مفقوده اخلاق



بهار

تصریح کرد: «شاید به عمل نامزدها پس از انتخابات با یکدیگر کنار بیایند و همه‌چیز تمام شود؛ اما این‌ضربه‌ها در رینگ منظره تا ابد روی جامعه تأثیر می‌گذارد، مردم فراموش نمی‌کنند، حافظه تاریخی‌شان در دشمنی‌ها پابدار می‌ماند، چون آنها سربازهای پیاده‌نظام‌کاندیداها هستند، آنها یادشان نمی‌رود در کدام خیابان و از هودار کدام کاندیدا مشت خورده‌اند و این تا ابد بر جامعه تأثیر خواهد گذاشت».

این جامعه‌شناس در پایان خاطرنشان کرد: «در سه ساعت منظره کاندیداها یکدیگر را با اتهام‌های عجیب و غریبی متهم می‌کنند که شاید در روند عادی و سالم حضور آنها در چرخه سیاست یک کشور غیرقانونی باشد، مردم به‌عینه می‌بینند آنها

یکدیگر را دروغگو و رانت‌خوار خطاب می‌کنند، در چنین جامعه‌ای چگونه می‌توان توقع اخلاق‌مداری داشت؟ هیچ‌کس حاضر نیست در این میانه کنار بکشد و از خوبی‌های کاندیدای رقیب بگوید. تصویر و سؤال ذهنی من در پایان هر منظره این است که کاندیداها پس از اتمام منظره با هم چه برخوردی می‌کنند؟ آیا با دیسپلین سیاسی با هم دست می‌دهند و جای می‌نوشند و

خداحافظی می‌کنند؟ آن مجری بیچاره منظره چه واکنشی به آنها دارد؟ آیا آنها یکدیگر را متهم می‌کنند و توهمین‌ها را تمام نمی‌کنند؟ چون مردم تمام نمی‌کنند. آنها در صفحات مجازی پایان رقیب طرفدارانش را می‌خواهند، برای یکدیگر آرزوی مرگ می‌کنند و کسی سؤال نمی‌کند پس تکلیف اخلاق‌مداری چه خواهد شد؟».

عدم اعتماد، تنها نتیجه این نوع تبلیغات بود

دکتر حمیدرضا پوراعتماد، روان‌شناس بالینی و عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره بار منفی مناظرات و تبلیغات نادرست بر روان مردم عنوان کرد: «مردم در مناظرات و تبلیغات این‌چنینی به مرگ اخلاق نگاه می‌کنند، آنها مضطرب و عصبی به همه آنچه فرو می‌ریزد نگاه می‌کنند. یاس، بدبینی و ناامیدی از مسئولان کشوری در قلب‌ها وارد می‌شود. اولین صحبتی که آنها می‌کنند این است؛ اگر این اتهامات همه وارد است، ما چطور در

این کشور زندگی می‌کنیم؟ اولین برداشتی که مردم از این مناظره‌ها خواهند داشت، این است که این نامزدها چطور شخصیت‌هایی هستند که با این همه ضعف و ناتوانی و کجی‌هایی که دارند، می‌خواهند کشور بزرگ ایران را اداره کنند و آینده آنان را رقم بزنند. وقتی در سطح بالای کشور این‌گونه اختلاف ایجاد شود، طبیعی است که این اختلاف وقتی به سطح خیابان و جامعه می‌رسد، زاویه شکاف را چندین برابر خواهد کرد. متأسفانه منظره‌ها اختلاف را تا سطح خانواده، ادارات و واحدهای کوچک اجتماعی گشانده است و آسیب‌های روانی‌ای به جامعه وارد می‌کند که جبران آن به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود».

وی افزود: «اثرات روانی این منظره‌ها را به چند روش می‌توان بررسی کرد؛ عمده‌تا دو روش برای تحلیل تأثیر این مناظرات وجود دارد؛ یکی روش‌های نسبتا شناخته‌شده و قدیمی‌تر که منظره‌ها را کدگذاری و مطالعه می‌کند که بیشترین لغت، مفهوم و سازه‌ای که تکرار می‌شود چیست و بعد از طریق تحلیل آن واژه می‌توانیم به افکار و ایده‌های منظره‌کنندگان و تأثیر آن روی مردم پی ببریم. یعنی ابتدا در این روش باید گفت‌وگوی منظره‌کننده‌ها تحلیل شود که روی کدام نقاط روانی و هیجانی مردم دست می‌گذارند، تا بتوانیم به نتیجه آن هم پی ببریم. در روش دوم با صحبت با مردم و تحلیل تأثیر آن روی مردم به نتیجه برسید که این مناظرات چه آثار روانی‌ای روی مردم خواهد داشت. به عبارت دیگر این منظره‌ها را به منزله یک پیام دید؛ پیامی که فرستنده‌اش منظره‌کنندگان و پیام متن منظره و پیام‌گیرنده مردم هستند. من فکر می‌کنم در سه سطح می‌شود این مسئله را تحلیل کرد». پوراعتماد در ادامه می‌گوید: «اما روش‌های

مبتنی بر تکنولوژی هم وجود دارد که بدون اینکه تماشاکنندگان منظره متوجه باشند، می‌توان اثرات روانی، هیجانی یا شناختی را در آنها بررسی کرد. روش‌هایی مثل تعقیب چشمی در این مسئله بسیار کمک‌کننده هستند. این نوع مطالعات حداقل هفت، هشت روز فرصت می‌خواهد تا بتوان به تحلیل‌های عمیق رسید، اما از خلال مناظرات این مدت می‌توان به این نتیجه رسید که فضای حاکم بر مناظرات و تبلیغات این روزها فضای اتهام است. به عبارت دیگر افراد به دلیل اینکه برنامه‌های مشخصی نداشتند که نشان بدهند تا مهم‌ترند، عمدتا با تخریب سعی می‌کردند نامزد مقابل را در انفعال قرار دهند و به پیبندد این پیام را منتقل کنند که به این فرد اعتماد نکن. این استراتژی در میان منظره‌کنندگان دنبال شد و مهم‌ترین آسیب روانی که به مردم وارد می‌کند، ایجاد فضای ناامنی و عدم اعتماد است. مردم در چنین شرایطی وقتی می‌بینند به نامزدهای انتخاباتی نمی‌توانند اعتماد کنند، طبیعتا در مسائل شخصی و کسب‌وکار خود نیز اعتمادکردن برایشان دشوار می‌شود. در مناظرات ضربان قلب افراد بالا می‌رود، این مسئله شبیه دیدن یک مسابقه فوتبال است، با این تفاوت که فوتبال سرگرمی است، اما منظره‌ها می‌خواهد سرنوشت یک کشور را رقم بزند».

حالا منظره‌ها تمام شده و تبلیغات میدانی بیشترین تبلیغات ستادی کاندیداهاست، آنها هنوز هم از هیچ تلاشی برای مخدوش‌کردن اعتمادها فروگذار نمی‌کنند. هفته دیگر همین روز ۴۸ ساعت از اتمام انتخابات گذشته است و مهم‌ترین چیزی که بین مردم از بین رفته، اعتماد است. کاش فکری به حالش کنیم.

سودوکو سخت ۱۸۱۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳			۸	۵		۴		۱
			۵			۶	۹	
					۱	۸		۲
				۲	۹			۸
							۳	
			۷		۲			۴
					۳	۶		
						۷		
		۷						۴
							۵	

۷		۹		۳	۴	۱		۸
			۹		۲	۶		۷
				۲	۱	۶		۹
				۹		۸		۴
					۵		۳	۲
						۷		
					۴			۳
						۷		
							۸	
						۶	۲	۵

سودوکو ۱۸۱۸

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

جامعه